



جلسه ۵۹

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه پنجشنبه ۲ دی ماه ۱۳۱۰ - ۱۴ شعبان ۱۳۰۹

فهرست اشتراك سالیانه
 دوغله ۱۰۰ تومان
 خارچه ۱۲۰ تومان
 نك شماره ۰ يكفران

بعثت مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲ دی ماه ۱۳۱۰ هـ (۱۴ شعبان ۱۳۵۰)

بهرت مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
 (۲) اقتراع شعب
 (۳) مذاکره دولایحه تعیین تکلیف قزاق ایالتی
 (۴) اقتراع جهت تفریبات مناسبت عید مولود حضرت حجة
 (۵) موثق و دستور جلسه بعد - شتر جلسه

مجلس يك ساعت و اربع قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس روز یکشنبه بیست و هشتم آذر ماه را آقای مؤید احمدی (مثنی) قرائت نمودند

[۱ - تصویب صورت مجلس]

شعب جدید را اقتراع کنیم عده حاضر در مرکز صد و پانزده نفر که بهر شعبه نوزده نفر می رسد بکفایت که علاوه است بشعبه اول افزوده میشود.

[اقتراع بعد از آمدن نتیجه به ترتیب ذیل حاصل شد]

شعبه اول - آقایان: مؤید احمدی - افسر - امیر حسین خان بختریاری - حاج میرزا حبیب الله امین - طباطبائی و کبلی دکتر ملک زاده - محمد علی میرزا دولتشاهی - لیلیانی - دکتر سنک - ملک آرائی - آقا میرزا سید احمد بهبهانی - طهرانی - ملک زاده آملی .. اجتنام زاده - آقا سید کاظم زدی مثنی - طهرانی - رضاقلیخان باستانی - بوشهری شهید دوم - آقایان: دکتر میرزاخان اعلم - فتحعلی خان بختیار - ملک مدنی - اعتیار - بنگدار - دکتر ضیائی شرفی - هزارجریبی - کفائی - اورنگ - آدینه جان بارعلی - حاج علی آکبر امین - قزوینی - قهیمی - الهی میرزا اسدالله قهیمی - نصیری - ارکانی - قنوجی .

رئیس - آقای طهرانی .

طهرانی - قبل از دستور .

رئیس - آقای دبیر .

طباطبائی دبیر - در صورت مجلس صورت حاضر و

غائب خوانده شده عذرده ام این است که کمیسیون مراجع و مرخص صورت حاضر و غائب جلسه سابق را در جلسه لاحق حاضر نماید .

رئیس - همه با تأیید که فرمودید مرجع این بود که کمیسیون مقدم میشد ولی کمیسیون مقدم شده بود مقدم میشود رأی برایش داده میشود شایسته نمایند . در صورت مجلس دیگر نظری نیست (اظهار شد - خبر) صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - اقتراع شعب]

رئیس - اوقات شعب بانها رسیده و حالا بایستی که

تقریباً مذاکرات مشروح پنجاه و نهمین جلسه از دوره هشتم تقریباً (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰) درباره تدوین و تصحیح صورت مجلس

شبه سوم - آقایان: وهابزاده - میرزا محمدخان وکیل
بیات ماکر - قراکوزلو - میرزا صادقدخان اکبر - مولوی
فوام - دربانی - دبیر سهرابی - فرشی - حبیبی - جشیدی
سفاری - حاج حسین آقا مهدوی - دکتر خندان - حبیط
آصف - کازرونی - همراز.
شبه چهارم - آقایان: مفتی - آسدی - مستم سنگ
مسعود نائی - مقتدی - محمد ناصر خان قفقائی - طباطبائی
دبیا - غیر فرمند - آقا سید مرتضی رثوی - ارباب
کیسرو شاهرخ - مقدم - میرزا یاس - حاج میرزا
حسین خان قاضی - مجد شیانی - حیدری - فاطمی
موقر - یونس آقا وحاب زاده - دادور.

شبه پنجم - آقایان: ابزیدی - دادگر - رهنما -
عراقی - امیر دولتشاهی - دکتر عطاء الله خان سمیمی -
ریت - آقا میرزا محمد حسین نواب - شریعت زاده -
نقّه الاسلامی - وهبری - حکمت - امیر بیور - آشتیانی
دهستانی - خواجوی - چاپچی - امیر عامری - سهراب
نخان ساکینیان.
شبه ششم - آقایان: طالش خان - دکتر شیخ -
ابوالحسن خان پریا - محمد نصیخان آسود - حاج میرزا
حسن خان استعدباری - اسکندر - امیر ابراهیمی
مصدق چپاشاهی - مؤیداحمدی - حسنعلی مردولت شاهی
دینسانی کرمانی - میرزا حسین خان افشار -
مسعودی خراسانی - لاریجانی - بیات - حبیطعلی خان
نواب - علوی سیزواری - روسی - اسمعیل خان
قفقائی.

(بشمیر يك افزوده كردید - حاج محمد رضا بهائی)
[مذکره در لایحه تعیین تکلیف بقایای مالیاتی
وگسی - آقای دبیا تقاضا کرده اند که لایحه بقایای
مالیاتی در درجه اول مطرح شود (صحیح است)
هزار جریمی - بنده مخالفم
وگسی - با طرحش مخالفید ؟
هزار جریمی - با داده اولش مخالفم
وگسی - پس لایحه فراتر می شود :

غیر از کمیسیون قوانین مالیه به مجلس شورای ملی
کمیسیون قوانین مالیه پیشنهادات واصله ضمن شور
اول لایحه بقایای مالیاتی را با حضور نماینده وزارت معین
مطرح نموده مساعده اول با جزئی اصلاحی بشرح ذیل
تصویب و سایر مواد عین خیر اول را تأیید نمود
ماده اول - وزارت مالیه مکلف است بقایای مالیاتی
سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را باستانهای موارد ذیل:
الف - مالیاتهاییکه ابوابجمعی اشخاص بوده و محاسبه
خود را تصفیه ننموده اند.

ب مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی
داشته و تاکنون محاسبه آنها خانه نیافته است.

ج - بقایاتی که بموجب قرار داد های مخصوص
متعلقه - بین ادارات مالیه و مؤدبان ترتیب تصفیه و
استهلاك آن داده شده است از دفاتر مالیاتی دولتی حذف
و مدیوبین را از پرداخت معاف نماید بقایای مؤدییکه
مالیات سالانه آنها از بیست تومان تجاوز نینماید تا آخر
۱۳۰۴ معاف و از دفاتر مالیاتی حذف خواهد شد.

استثناء فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰
شمسی که بطور کلی و بلااستثناء معاف میشود نخواهد
بود در سایر مواد عین خیر اول را برای تصویب تقدیم
می نماید.

وگسی - قبل از اینکه داخل در مذاکره لایحه
بشورم خاطر آقایان را بیک نکته که منوجه هست تذکر
میدهم و آن این است که درخور بود لایحه بمواد رأی
کرده میشود و همیشه باید همتاد وقت نظر برای دادن
رأی داشته باشیم درشور اول شاید اینطور نیست قدری حذ
صایمان کفرات رعایت فرمایند که مایه تمام آقایانیکه حاضر
هستند احتیاج داریم . ماده اول مطرح است .

ماده اول - وزارت مالیه مکلف است بقایای مالیاتی
سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را باستانهای موارد ذیل:
الف (مالیاتهاییکه ابوابجمعی اشخاص بوده و محاسبه
خود را تصفیه ننموده اند

ب) مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی
داشته و تاکنون محاسبه آنها خانه نیافته است

ج) بقایاتی که بموجب قرار داد های مخصوص متعلقه
بین ادارات مالیه و مؤدبان ترتیب تصفیه و استهلاك آن
داده شده است از دفاتر مالیاتی دولتی حذف و مدیوبین
را از پرداخت معاف نماید بقایای مؤدیانی که مالیات
سالانه آنها از بیست تومان تجاوز نینماید تا آخر ۳۰۴
معاف و از دفاتر مالیاتی حذف خواهد شد

استثناء فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰
شمسی که بطور کلی و بلااستثناء معاف میشود نخواهد
بود در سایر مواد عین خیر اول را برای تصویب تقدیم
می نماید.

وگسی - آقای هزار جریمی

هزار جریمی - بنده در این ماده مخالفت کردم برای
استثنائی که در اینجا بود چون در کمیسیون بنده عرض
کردم چنانچه درست بشود بنده موافقم لیکن در کمیسیون
مالیه در شور اول که بنده نیومد کسک داتتم در شور
دوم ایراد کردم ولی اینجاکه داشتند اصلاح شود اصلاح
شد این بدین جهت که در شور دوم با اینکه عضو کمیسیون مایه
مستزین با مخالفت میکنم باین جهت است که عرض کرده
البته ماه ما میدانم که ایران که ۱۱۹۰ که بیست
سال قبل باشد (۱۳۰۰ هجری) در ایران يك انقلابات
بزرگی بود یعنی از ۱۳۲۴ که انقلابات ایران شروع شد
تا ۱۲۹۹ که شریف فرمانی اعلیحضرت ماهیونی بان
خانه داد از هزار و سیصد و سی تا فوت ایران يك صاحب
دینی پیدا کرد و شروع کرده است بزمنی در ۱۳۳۰
استزاد حالتی انطور در انقلاب مازندران در انقلاب
(آخر - صحیح است) آذربایجان هم در تصرف روسها بود
خراسان قفون انگلیس گرفتار بود در تمام ایران انقلاب
بود ایران يك پارچه آتش بود و هر کسی هرکاری ببخواست
میکرد و مردم همدیگر مینواشتند خودی حفظ کنند
ژرالیاراف روسی را در استزاد مرحوم خلعت برمیگذاشتند
بر سر املاک که این خالصجات من است و در آنجا باید

مالیاتهای مردم را میکوتند . میرزا علی اکبرخان که
امروز جزو ادره شایلات است اوهم معاون بود - در تریز
که خود بنده رتقم مرحوم شیخالدوله در آنجا فراموش
بود و هرچاهش منبواست میگردد زندان هم در آنجا فراموش
استزاد بود و وقتی که استزاد دست قفون روس بود آقا
بطریق اولی وقتی بنده رتقم در استزاد از سن ده خود
بنده تا استزاد يك فرسخ و ۱۰ م راه است بنده يك فرسخ
را در باهافتدر تختگی رتقم در صورتیکه این دفعه بنده
هفت ساعت از شب رفته از بندشاده با انوبیل رتقم با استزاد
درین راه انوبیل خراب شد در صحرا بودیم تا انوبیل
دیگری رسد حق بك برویکم داتتم امروز را نیتوانیم
با آرزو مقایسه کنیم پس از سنه ۱۳۰۰ اعلیحضرت
شروع کردد بصلح ایران و همه نوع قدرت نخرج دادند
و امر بمیدانی که ایران سراسر منظم است حالا می آید
میگوید که حساب بیست سال قبل را بدهند ؟! این لفظ
استثناء را که آورده اید اصلاً این عملی نیست که در
این قانون نوشته شده باین است که ابوابجمعی کسی بوده
قفون داشته سوار داشته سرباز داشته در آنجا و مالیات
میکرته اند حالان یکی یکی اینجا بخوام عرض میکنم
در تمام اول در قسمت الف میشود : مالیاتهاییکه ابوابجمعی
اشخاص بوده و محاسبه خود را تصفیه نموده اند (ب)
مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی داشته
و تاکنون محاسبه آنها خانه نیافته است درمسئله (ج)
حرفی نیست البته هرکس سند داده و بطور استهلاك باید
بدهد يك مالیاتی بیقیمتانه است بنده هم حرفی
ندارم موافقم که باید وصول شود ولی بنده می بینم که این
موضوع با تمام مردم تماس پیدا میکند و اسباب زحمت
برای عموم مردم تولید میکند . مردم مالیاتان را داده اند
مجاهد مالیات گرفت حکومت مالیات گرفت بك صاحب
زور مالیات گرفت امروز بطور میشود مالیات بیست سال
قبل را از مردم مطالبه کرد . بنده نهایت امیدتوان را باین
وزیر مالیه آقای سیاح معاون دارم و بقیع میدانم که اینجا

مردمان نیک نفس هستند ولی وقتی که وضع ادارات مالیه را می بینیم و وقتی که با یک کار هائی میکنند که نتوانیم بگوئیم چرا اینطور است این است که این تذکرات را میدهد مأمورین مالیه بطوریکه دلشان میخواهد مردم را از دست میکنند خصوصاً محصلداران مالیه و ما یک قانونی گذرانیم که این موضوع مأمور و تحصیلدار از بین برود . در همین استیضاد بنده خودم دیدم عیاشیهاست تحصیلدار پسر می قدر کسی را برای ده تومان بیچوب بسته وسد تا شلاق زده و مالیه هم هیچ امری نداد رئیس مالیه استیضاد در خانه مردم نشسته است کرایه آن را نمیدهد در سایر جا ها هم همینطور است تمام این مردم از دست آنها گرفتارند این است که بنده یک پیشنهادی دارم در این خصوص اگر توضیح دادند آقای معاون مالیه که بنده قطع شده البته مسترد میدارم و الا بنده عرض میکنم خوبست باز هم مطالعه کنند ولی بنده قطع دارم در این کار برای مردم اسباب زحمت خواهد شد چطور میشود مالیات بیست سال قبل را از مردم مطالبه کنند ؟

معاون وزارت مالیه - بنده تصور میکنم که برای نماینده محترم استیضای حاصل شده است بیجه اینکه در این ماده گفته نمیشود که از مؤدیان مالیاتی مالیات بیستسال قبل گرفته شود . این لایحه مطابق همان منظور است که ایشان دارند اینجا گفته میشود تا آخر هزار و سیصد و یک بکلی از بقایای مؤدیان صرف نظر میشود یعنی از مؤدیان مالیات چیزی نخواهند گرفت ولی استیضای که با مالیه یک حساسی داشته اند بلک ابوابیج همی داشته اند و مالیاتی را گرفته اند یعنی بجای مأمور دولت با مأمور وصول مالیات بودند منتهی بطور کثرت و فرار داد ابوابیجی شان بوده است املاک دیگران را نه املاک خودشان را آنها مالیاتشان را میکردند آن بطور ابوابیجی آن اشخاص باید مالیات دولت را بدهند ولی گفته نمیشود که هر مؤدی مالیاتی باید مالیات بیست سال قبل را بدهد . اصل این لایحه نمیتوسد ؛ مؤدیان مالیاتی تا آخر سنه ۱۳۰۱ تماماً باید بدهی شان صرف نظر شود معاف باشد استثنائی که در این

چاشده است ممکن است مورد این سوء تفاهم شده باشد این است که قبل از ۱۲۹۰ اگر یک قرار دادیم بوده است آنها هم بکلی مافی شود اصلاً از آن اشخاصی که ابوابیجی نداشته اند دیگر مطالبه کنند اگر درست این لایحه را مطالعه کنند معلوم خواهد شد که مؤدیان مالیاتی هیچ کاری ندارند و آنها راحت خواهند شد این قانون فقط برای این پیشنهاد شده است که رفع این اشکالات بشود و اصلاً اشکال پیدا نشود که با مؤدی طرف بشوند که مالیات قبل از سنه ۱۳۰۲ را نتوانند حسابی را بدهد . ا. هزار و سیصد و دو باید هم هم دفاتر مالیاتی مرتب است و هم مردم استنادشان صحیح است و در دسترسشان است .

رئیس - آقای مالیه مکلف .

ملک مملی - بنده هم نظر آقای هزار جریبی را داتم یعنی این لایحه و غیر کمیون قدری روشن بشود و میخواستن از طرف آقای معاون وزارت مالیه توضیحی داده شود که اشکالی تولید نشود . این توضیحی که آقای معاون دادند کافی بود و رفع اشکال میکرد و مقروضان این بود که قبل از سنه ۱۳۰۲ بقایای مالیاتی که پیش اشخاص باقیامده است نظیران مفتقانی که در آورده بود است صرف نظر کنند و از آنها بگیرند مجلس هم همین نظر را دارد دولت هم همین نظر را دارد غریزانهم نظر دیگری نبود در لایحه باستثناء همان قسمت هائیکه فرمودند . فرض کنید یک کسی حسابهای مالیاتی را تصبیه کرده است و سند قلمی هم سپرده او البته باید بدهد ولی سایر مؤدیان مالیاتی که تا آخر سنه ۱۳۰۱ معاف مالیاتی آنها تصبیه شده دولت نباید از آنها مطالبه کند بنده نظرم این است که چون لایحه قدری روشن بود توضیحی بدهند که این در مذاکرات مجلس سابقه باشد که بگوئی باز در خصوص مالیات برای اشخاص اشکالی تولید نشود .

رئیس - آقای دیا موقتید ؟

طباطبائی دیا - خیر .

رئیس - آقای مؤید احمدی موقتید ؟

مؤید احمدی - خیر .

رئیس - آقای رهنما موقتید ؟

رهنما - بنده یک پیشنهادی دارم که تقدیم می کنم

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - بنده میخواهم توضیحی بدهم که راجع باصل موضوع است

رئیس - در مقابل آقای ملک مدنی میخواهید توضیح بدهید ؟

فاطمی - بل

رئیس - بفرمائید

فاطمی - در کمیون در این لایحه چندین جمله کاملاً با حضور آقای وزیر مالیه و آقای سیاح مذاکره شد و چون حالا اینجا ممکن است سوء تفاهمی بشود خواستم توضیحی بدهم اصولاً این بقایا سه قسم میشود یک بقایای عمومی است که تا اول سنه ۱۳۰۱ که بطور کلی معاف میشود یک بقایای است که مبلغش ثابت است تا سال ۱۳۰۲ آخر ۱۳۰۱ معاف میشود فقط بقایای که تا سنه ۱۳۰۲ بیدر ممکن است وزارت مالیه مورد مطالبه بگذارد یکی از این سه قسم است که در اینجا گذارده شده یک قسم اشخاصی که ابوابیجی مالیه بوده اند یعنی مالیاتی اشخاص ابوابیجی آنها بوده که گرفته اند و حسابشان را با مالیه تصبیه نکرده اند باید تصبیه کنند این یک قسم است یک قسم هم مالیاتی است که در مقابل آفت اشخاص ادعای مالیاتی دارند و هنوز حسابشان تصبیه نشده بلک قسم هم اشخاصی که مالیاتی میکنند را بپردازند اما حالا آند اما و وزارت مالیه یک قرار دادهائی کرده اند که آنها را بپردازند این است که حالا اگر غیر از آن چیز در اینجا گفته شود آن مورد تصویب کمیون واقع نشود است برای خاطر این میخواستم عرض کنم کهه آقایان خوب توجه داشته باشند . این بیست تومان هم مقروض مؤدیان مالیاتی است که از بیست تومان مالیات آنها تجاوز نمیکند نه آن یکیکه نتمه مالیاتشان بیست تومان

باشد خبر آن باید بدهد مثلاً کمیکه هزار تومان مالیات بده باشد بیست تومانش باقی مانده باشد او غیر اشخاصی که تمام مالیات بدهی شان از بیست تومان تجاوز نمیکند معاف هستند .

رئیس - آقای دیا

طباطبائی دیا - بنده که بدو اجازه خواسته بودم در قسمت اول مخالف بودم ولی با توضیحی که آقای معاون دادند رفع اشکال بنده شد ولی باید یک عبارتی اضافه شود و تصریح شود که از مؤدیان مالیات مطالبه نخواهد شد و الا اگر تصریح نشود ممکن است بعد باز اسباب اشکال فراهم شود که هر بروند از مؤدیان مالیاتی مطالبه کنند و هم از اشخاصی که سابقه هستند . یک پیشنهادی هم در این زمینه تهیه و تقدیم کرده ام و بنده عقیده ام این است که علاوه شود که دیگر از مؤدیان مالیات مطالبه نخواهد شد

معاون وزارت مالیه - اینکه آقایان فرمایند عین این که از مؤدیان مالیاتی مطالبه نمیکند مورد و لزومی ندارد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در اینماده اشکال داشتم که در شور اول هم عرض آقایان رسید بنظر بنده همینطور که آقایان توضیح دادند راجع به مؤدیان دیگر اشکالی باقی نماند اصلاً لایحه طوریست که تا سنه ۱۳۰۲ مؤدیان را بکلی معاف میکند و در قانون در سه جا توضیح شده فقط بنده عرضی که دارم راجع بفرمایشی است که آقایان فرمودند فرمودند مالیات های ما بر سه قسم است یک اشخاصی هستند که قرار دادهائی با دولت داشته اند که البته کسی حرفی ندارد و باید مطابق قراردادشان رفتار کنند و این مسلم است دوم اشخاصی هستند که ادعای طلب داشته اند از دولت بکفایت از امتیازات را نگاه داشته اند البته آنها هم باید بیایند و حسابشان را تصبیه کنند باقی میماند یک سوم که ایشان بقره نمیدانم ازحمت عمل چه جور باید بکنم . آقای سیاح خوب میدانند اگر هم میخواهید

اسم میرم دوسیمانی هم در وزارت مالیه هست مثلا قلاتنخس دو هزار تومان بدی دارد حالا که ازش مطالبه میکنند میگوید آقا در محل مانده است و من نتوانستم از رعیت وصول کنم بعلت اینکه آنجا غارت شده بود آفت رسید بدو دشمنی حالا مؤدرا معاف میکنند از او میگیرند این را چه میگوید چکار میکنند !! او هم حق ندارد از مؤدی مطالبه دند نظر آقا میفرماید جریمی این بود بنده هم در شور اول عرض کردم يك استثنائی هم در اینجا بکنایه کرد که معلوم شد این شخص در محل باقی دارد او را معاف کنند و پیشنهادهای بکنند که اصلاح بشود و الا این تناقض دارد

احتشام زاده - تناقض هست

مؤید احمدی - باه - ما هم است تناقض است

معاون ولایت مالیه - اولاً در ضمن فرمایشی که فرمودند نظهار داشتند هزار رسید و دو این باید توضیح بدهد که تا آخر هزار رسید و يك است باید از آن بیرون بقیایا گرفته شود یعنی از اول هزار و رسید دو مطابق این لایحه بقیایا گرفته می شود و اما آن اشکالی را هم که فرمودند آقا در ماده هفتم پیش بقی شده است و وزارت مالیه بوجوب ماده هفتم در این قبیل موارد رسیدگی خواهد کرد یعنی در صورتیکه آفتی رسیده باشد یا ترتیب دیگری پیش آمده باشد یا ابواب جمعی مال ایل باشد و نتوانسته باشند وصول کنند و مکتلابی در پیش داشته اند که وزارت مالیه هم تصدیق کرده باشد البته مساعدت و تسفیه خواهد نمود. پس ماده هفتم این حق را بر وزارت مالیه داده و وزارت مالیه را مکلف کرده است که این قبیل اختلافات را رسیدگی کرده و تسفیه نماید اگر مراجعہ بنفرماید بماده هفتم هم این قسمتها پیش بینی شده میگوید:

بقایای ستوانی افراد ایل تا آخر ۱۳۰۱ به تخفیف منظور خواهد شد.
لیست بقایای از سنه ۱۳۰۲ بید ایلات و همچنین لیست بدیعی صاحب چمنان ایلات و املاک امم از بقایای قبیل با بعد از ۱۳۰۲ وزارت مالیه مجاز است با ملاحظه

و وضعیت افراد ایل و امهال صاحب چمنان رعایت مقتضی را از حیث اعطاء تخفیف و امهال بعمل آورده معاصرت ستوانی را تسفیه نماید پس تکرانی از این حیث نباید باشد و ماده هفتم این نظر نمایندگان محترم را تأمین مینماید.

ولیس - آقای درهما

درهما - بنده عرض ندارم بکن پیشنهادهای تقدیم کرده ام

ولیس - آقای انسر

انسر - بالاخره آن قسمتی را که آقا توضیح دادند

جواب آقای هزار جریمی و آقای مؤید احمدی نیست البته

آقای هزار جریمی متذکر شدند تکلیفی را که همه اهل در

ظرفمان بود و بنده هم کاملاً با آن تکلان موافق هستم

ولی يك عبارتی را فرمودند که باید توضیح داده شود

(صحیح است) چون عبارت ایشان این بود که فرمودند

تصرف مثل اینکه آذربایجان یا استرکباد یا خراسان یا

گیلان در تصرف سایرین بود در صورتیکه بهیچوجه

من الوجوه هیچ قطعه از نقاط ایران بتوانم تصرف در

دست سایرین بود (نمایندگان - صحیح است) هیچ

وقت ولو کوچکترین ده سرحدی ما (صحیح است)

بلای قشوق آوردند تمام مظالم را بدهان قطار

سرحدی و غیر سرحدی وارد کردند ولی است تصرف

هیچوقت و بهیچوجه در کار نبود (صحیح است) بدو قاضی

کردند تمام مشکلات را تولید کرد ولی فقط تصرف

را هیچ روزنامه مخالف هم حتی در آن اوقات نتوانست

(صحیح است) هیچسک تکلف و نتوانست و تشبیه (صحیح است)

مظالم آنها بود است که آقای هزار جریمی این عبارت را فرمودند

(هزار جریمی - صحیح است) ولی هیچ تصرفی نند

است (صحیح است) و این قسمت لازم بود توضیح داده

شود (صحیح است) و این نکته را هم در راجع فرمودند

باید عرض کنم برای اینکه این مطالب که گفته شده است

شود باید این عبارت که بنده پیشنهاده کرده ام در

کنجایید بشود که اگر مدلل کرد بجهتی از چهار تواتر

دست وصول کنند آنرا رسیدگی کنند یعنی اگر آن کسی که می فرماید ابواب جمعی داشته است مدلل کرد و ثبت کرد در محاکمات مالیه یا در سایر محاکم که مالیه تعیین میکند که توانسته است در آن موقع آن ایل را و این ابواب جمیع خود را کلایا جزفاً وصول کند فراروی راجع بآن بداند و بی جهت او را تعقیب نکنند چیزی که نگرفته است مدلل هم کرده است که نگرفته چکاره بداند ولی اگر گرفته است البته دولت طلب دارد از او نباید بگیرد و الا اگر انتظار نبود دیگر نه باو باید کار داشت نه برید اما اگر گرفته باشد از او بگیرند و هیچ قبل استثناء نیست. اما اگر باین عبارت ماده بنظر او اکتفا کنند

این صحیح نیست و سایرین زحمت میشود در صورتیکه منظور و مقصود شما را بخواند آسایش مردم است و از همین جهت این لایحه را تقدیم کرده اید. مطلب دیگر اینکه اگر وقت فرموده باشد آید وقتها با ابواب جمیع مثل کنتزارت بود که باین

میل فرستادند بفرمان ایل می گفتند که اینجا ابواب جمعی ما را بدین

حدود سه هزار تومان یا پنجاه هزار تومان اینرا بگیرند گاهی بود که تا آخر همان سال هم نمی گذاشتند بماند و در همان بعد یک نفر دیگر را میفرستادند سه ماه بعد کسی دیگر را میفرستادند و ابواب جمعی او میشد و معلوم نبود که این

ابواب جمعی نهاد طرفیتی و الزام آور باشد می گفتند ما مأمور و وصول هستی بعد دیگری را میفرستادند حالا ممکن

هم هست بین خودشان يك نتهادانی شده باشد یا گفته باشند مالیات را ما خودمان بدیم این هم هست ولی فرار داد قطعی نبوده اگر هم بوده خیلی کم بوده است غالباً ما مأمور وصول میفرستادند در بعضی نقات هم دیده شده که نتهادانی کرده اند گفته اند که تو باید قاندر بگیري و بدیعی و با حق و نوافل قاندر منظور میشود بمراد خودشان مالیات یا بیشتر آنرا جمع میکنند و میدادند بآن مأمور وصول که ابواب جمعی خود را بگیرد و برید تحویل بداند حالا در اغلب نقاط که آن مأمور وصول ابواب جمعی داشته است شاید در محل بقایای داشته و نتوانسته است بگیرد با مواسی بوده و محظورانی

داشته مقصود بنده و آقای هزار جریمی و آقای مؤید احمدی این است که اگر آن صاحب جمع و ابواب جمعی دار مدلل کرد بجهتی از چهار جهت توانسته است دریافت کند او را معاف کنند (صحیح است) ولی اگر نتوانست مدلل و ثبت کند البته از او باید بگیرند (صحیح است)

معاون وزارت مالیه - قطعی که ابواب جمعی اشخاص بوده است بوجوب فرار دادهای مخصوص بوده است نه اینکه اشخاص میباشند و تحصیلدار بوده اند ما اینجا را جزو اشخاصی که ابواب جمعی داشته اند حساب نمیکند (مقصود ما اشخاص هستند که بوجوب يك فرار داد و تسفیه فرار داد

قطعی ابواب جمعی داشته اند. بنده عرض کردم در ماده هفتم راجع باین قسمت پیش بقی شده است و اگر ما بنظر او این مطالبی که فرمودند ذکر کنیم در ماده مواردی خیلی زیاد است و باید همه را کنجایید میسپول

جوړ میشود و هر کدام يك شکل خاصی دارد یعنی هر کس يك ابواب جمعی داشته است و يك متکلاسی داشته است که صورت مخصوص دارد که نمیشود همه را در ماده ذکر کرد و پیش بقی کرد و آن طرز را نوشت

بهمین جهت در ماده هفتم این قسمت بطور کلی ذکر و پیش بقی شد که وزارت مالیه مجاز است نسبت باین قبیل موارد بخصوص رسیدگی کرده و تا اندازه که تشخیص کرد صحیح است معاف بکند و با این ترتیب که عرض کردم کسان ندیکتم هیچ اشکالی باشد و ماده هفتم منظور آقایان محترم را تأمین کرده است.

ولیس - آقای عراقی.

عراقی - بنده چندان مخالفتی ندارم ولی عبارتی که در این غیر کنجایند شده است يك قسمتی مطلب را معشوقی کرده است برای اینکه مراد دولت مسلم و معلوم است که غیر از این سه قسمتی که در این جا استناده کرده است باقی دیگر را معاف کرده اند ولی این جور میگویند که این جا نوشته شده مقصود ما میسراند برای اینکه این جا نوشته شده است: وزارت مالیه مکلف است بقایای مالیاتی

سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را باسننای موارد ذیل :
آزوت استننا ها را ذکر کرده است

الف - مالیاتهاییکه ابوابجمعی اشخاص بوده و محاسبه خود را تصفیه نموده اند . ب - مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دوی مطالباتی داشته و تاکنون محاسبه آنها خفانه بیافته است . ج - بقایایی که بموجب قرار داد های مخصوص منقده بین ادارات مالیه و مؤذیان ترتیب تصفیه و استهلاك آن داده شده است این قسمت (ج) يك طوری تنظیم شده است که اسلأباً آن استننا ها يك تناقضی پیدا کرده است مگر اینکه يك ترتیبی بدهند که این معلوم بشود البته غرض هم معلوم است که مراد از قسمت (ج) این است که آن بقایایی که بموجب قرار داد های مخصوص منقده بین ادارات مالیه و مؤذیان ترتیب تصفیه و استهلاك آن داده شده است آنها هم جزو این استنناها باشد . آزوت تمام این بر می خورد باینکه میگوید : بقایای مالیاتی قبیل از ۱۳۰۲ را از دفتر مالیاتی محذوف کنند و این عبارت هیچ خوب نیست و مقصود او هرگز غیراست خوبست عبارت را آقای غیر يك طوری درست کنند که معلولان رسانند و مقصود غیر کنند جمله را تا عبارت درست بشود .

گزارشی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - در کمیسیون مامورین زیادی کردیم و هیچیک از ما اشکال جباری در ماده مورد ملاحظه آقا هم که در اصل مطلب خلاف نبود فقط غیرمربوطانکه عبارت درست مقصود را غیراست بفرموده بنده خیلی عبارت درستی است که مورد ملاحظه استنسی میشود در ذیل آن هم غیر آن مبتدا را نوشته اند که باسننای این سه مورد بایستی اینطور معامله بشود که در ماده ذکر شده و بفرموده بنده عبارت خوبست و روشن و در هر صورت مقصود جناب عالی از معنی است که متناهی حاصل است و اگر چنانچه راستی راستی عبارت بهتری در نظر داشته باشید که معلولان را بهتر رساند و روشن تر کند خوب بود بیان میفرمودید یا حالا پیشنهادی فرمایید .

عراقی - چشم پيشنهاده بدم عبارت بهتری تنظیم کردم تقدیم میکنم

رئیس - آقای ملك مدنی
ملك مدنی - بنده اینجا يك چیزی بنظر رسید که میخواستم بآقای معاون عرض کنم راجع باشماصا بكم ابواب جمع داشته اند اینجا اظهار شده که این قبیل اشخاص ممكن است از محل نكرته باشند یا يك مقدار در محل مانده و بواسطه حوادث و تریبانی نتوانسته اند وصول کنند مثلاً میگوید من نتوانسته ام وصول کنم و همانقدر که گرفته ام تحویل داده ام بسیار خوب يك هم در مقابل میگوید غیر اینطور نیست خوب رسیدگی این قسم اختلاف معلوم نیست در كجا است ؟ خوانم به مینم آقا مقصود وزارت مالیه این است كه اگر اختلاف شد بین خودش و آن كس كه میگوید من تماماً مطالب نكرتم و آن رسدی پنجاهت در محل مانده و نزد مؤذیان است اگر همچو پیش آمده کرد و يك كسی این ادعا را کرد و يك قرار دادی هم با مالیه داشته است تكلیف رسیدگی آن چیست و چگونه میشود رسیدگی كرد و در كجا رسیدگی خواهند كرد ؟ این قسمت را خوست آقای معاون توضیح بدهند .

مخبر - چون این مسئله از موارد حاكیك دولت است البته محاسبه و رسیدگی در خود وزارت مالیه بعمل خواهد آمد و این اختلافات نه تنها روی این زمینة كه فرمودید ممكن است پیش بیاید بلكه شقوق متعددی پیدا میکند از این جهت است که در ماده هفتم نوشته شده که وزارت مالیه مكلف باشد که راجع بشقوق مختلفه و آنچه را كه تصور میفرمائید اختلافی پیدا شود رسیدگی کند و اگر مقتضی داشت تخفیف منظور كند .

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

روحی - کافی نیست . بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

روحی - این قسمت هنوز روشن نیست و این را

بابت آقای غیر بهتر تنظیم کنند یا يك پیشنهادی بدهند كه مطالب سر راست و واضح باشد . مؤذیان مالیات یا آذین كه قرار دادی داشته اند اگر يك اختلافی پیدا كردند یا تصحیلات را او در محل بوده است او میكرته است آزوت اینجا خود وزارت مالیه که مدعی و بکیر است حل کردن است توسط خودش كار خیلی خوبی نیست ما بایستی برای مردم يك راهی نشان بدهیم كه اگر اختلافی بین شان تولید شد مرجع رسیدگی شان فلان محل است و بكماد محكمه باید رجوع کنند لا اقل بعد يك وزارت مالیه مراجعه کنند و الا شخصی رئیس مالیه محل باید بگردد این بدعی را باید بدعی خودش رسیدگی بکند این خوب نیست و این را باید برگرداند بکمیسیون و اصلاح کنند و واقعاً طوری بکنند که اسباب زحمت مردم فراهم نشود و لا اقل مرجع را معاهدات اولیه بر بدهند نه رئیس و این مالیه و اداره مالیه معزله که اسباب زحمت برای مردم بشوند . (صحیح است) .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :
مقدم محترم ریاست مجلس شورای ملی
پیشنهاد می نمایم در قسمت الف جمله ذیل به ترتیب ذیل اصلاح شود

الف - مالیاتهایی که ابوابجمعی اشخاص بوده و محاسبه خود را تصفیه نموده اند (که از خود آن اشخاص مطالبه خواهد شد)
رئیس - آقای هزار جریبی این پیشنهاد مال شماست که امضا کرده اید ؟
طباطبائی دینا - خیر نامه است
رئیس - بفرمائید
طباطبائی دینا - چنانکه مذاکره شد عمده مقصود از این لایحه آسودگی و آسایش مؤذیان مالیاتی است ولی توضیحی هم که آقای معاون دادند ظاهراً رفع اشکال را کرد لکن عقیده بنده این است که اگر این جمله صحیح شود بهتر است که از خود اشخاص که صاحب

جمع هستند از آنها مطالب خواهد شد از مؤذیان مالیاتی **مخبر -** بنده که گن نمیکند از این عبارت هیچکس نهمد که از غیر از این اشخاص چیزی مطالبه میشود (صحیح است) اشخاص بلكه ابوابجمعی دارند يك سندی دولت سیزده اند دولت میگوید بر طبق ابواب جمع تن باید بدعید یعنی تصور می کنند که دولت او را بگذارد و بیاید مرا بگیرد ؟ این که نمیشود این طور نیست البته از خودشان میگردن پس با این ترتیبی که عرض کردم وارد کردن این عبارت در این قانون يك خورده خوب نیست و گمان نمیکنم مقتضی باشد .
رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای دینا را قبل توجه میداند قیام فرمایند (عده قایل قیام بودند) قبل توجه نند پیشنهاد آقای رفقا قرائت میشود .
بنده ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم
ماده اول - وزارت مالیه مكلف است بقایای مالیاتی سنوات قبل از ۱۳۰۲ املاک را از دفتر مالیاتی دولتی محذوف و معینین را از پرداخت معاف نماید . بقایای مؤذیان که مالیات سابقه آنها از بیست تومان تجاوز نمی نماید تاخر ۱۳۰۴ معاف و از دفتر مالیاتی محذوف خواهد شد .
موارد ذیل مشمول این معافیت نخواهد بود .
الف - مالیاتهاییکه ابوابجمعی اشخاص بوده و محاسبه خود را تصفیه نموده اند .
ب - مالیاتهاییکه اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی داشته و تاکنون محاسبه آنها خفانه بیافته است .
ج - بقایاییکه بموجب قرار داد های مخصوص منقده بین ادارات مالیه و مؤذیان ترتیب تصفیه و استهلاك آن داده شده است .
استننای فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰ شمسی که بطور کلی و بلااستثناء معاف میشود نخواهد بود .
رئیس - آقای رفقا .
رفقا (در محل خود) - عرض کنم که این پیشنهاد بنده

رئیس - آقایان تند نوبها نمی توانند بشوند بیاید این جا -
رهنما - مصل عرض نمی کنم .
رئیس - چلوتر بیاید آقای . چون صدای شما مایه آجه است
رهنما - چشم (آمدند به محل نطق) این پیشنهاد بنده در اصل ماده پیشنهادی کمیسیون تغییر می دهد و عین همان ماده است (صحیح است) منتهی یک شکلی که منظور آقایان نمایندگان بهتر تأمین شود و عبارت واضح و روشن باشد آن را تقابل کردم و اصلاح عبارتی نمود ولی در اصل مطلب تغییری داده نشده و در همان است و قبول آنهم کماکان یکم اشکالی داشته باشد (صحیح است)
مجهز - چون اصلاح عبارتی است و در معنی تفاوتی حاصل نمیشود بنده میپذیرم یکی از نمایندگان - در مرتبه قرائت شود .
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم :
 ماده اول - وزارت مالیه مکلف است بقایای مالیاتی سنوات قبل از ۱۳۰۲ مالیه از دفتر مالیاتی دولتی حذف و مدیونین را از پرداخت معاف نماید . بقایای مؤدیانی که مالیات سالیانه آنها از بیست تومان تجاوز نمیشود تا آخر ۱۳۰۴ معاف و از دفتر مالیاتی حذف خواهد شد . مواز ذیل مشمول این معافیت نخواهد بود : الف - مالیاتی که ایوانجمعی اشخاص بود و محاسبه خود را تصفیه ننموده اند
 ب - مالیاتی که اشخاص در مقابل آن دعوی مطالباتی داشته و تاکنون محاسبه آنها خاتمه نیافته است
 ج - بقایای که بموجب قرارداد های مخصوص منقده بین ادارات مالیه و مؤدیان ترتیب تصفیه و استهلاك آن داده شده است
 استثنای فوق شامل بقایای مالیاتی قبل از ۱۲۹۰ شمسی که بطور کلی و بیلا استثناء معاف میشود نخواهد بود .

رئیس - نظر دولت هم موافق است ؟
معاونت وزارت مالیه - بلی بنده هم قبول میکنم
رئیس - آقای مؤید احمدی
مؤید احمدی - عرض کنم همانطور که خود آقای رهنما فرمودند این عین آن ماده است منتهی از حیث عبارت تغییر داده شده است (رهنما - صحیح است) لکن اشکال بنده آقای افسر و هزار جریبی را توضیح ندادم برای اینکه اشکال ما در آن ماده وارد است اگر پیشنهاد بنده و آقای افسر را ضمیرا این ماده بکنند دیگر قابل میشود بپذیرد بنده (افسر - صحیح است)
هزار جریبی - آنت را داخل در این پیشنهاد نکرده اند
امیر لیمور - خوب است پیشنهاد آقایان هم قرائت بشود .
رئیس - قرائت میشود :
 در قسمت الف بنده پیشنهادی کنم : اشخاصی که ایوانجمعی داشته اند در صورتیکه معلوم کنند مالیات را از محل نکرده و نزد مردم است معاف باشند . افسر - مؤید احمدی -
معاونت وزارت مالیه - عرض کنم که بفرمائید آقایان توضیح بدهند آقو ؟
رئیس - بفرمائید صحبت نان را بکنید
معاونت وزارت مالیه - عرض کنم که این پیشنهاد بطور کلی اسباب زحمت بزرگی برای دولت خواهد شد که هر کسی ایوانجمعی داشته است مطابق این ماده بیاید و یک مرافقه در وزارت مالیه داشته باشد و یک چارو جنبالی در مالیه تولید شود در صورتیکه منظور وزارت مالیه آسایش مردم و رفع این اختلافات است بجهت این که اشخاصی که ایوانجمع داشته اند با یک شرایط و موادی بوده است و در اول دولت هیچ مسؤول نبوده است و اینها اگر هم بقایای در محل دارند قید شده که اینها مسؤول بوده اند که تمام و کمال بدهند ولی حالا هم عرض کردم که در ماده هشتم ذکر شد است

در هر موردی وزارت مالیه اگر دیدنی حق هستند بخواهند امتدادت کنند و اگر یک شخصی یک جانی ایوانجمعی بوده است ده سال شرط هم بوده است که اگر بقایای هم داشته است بر عهده خودی بوده باشد یعنی منظور مقاضیه بوده است آنوقت نباید بگوید من از محل نکرده ام اصلا تشخیص این از برای وزارت مالیه نهایت اشکال را دارد برای اینکه آنها که ایوانجمعی شان بوده است ابره صحیحی بوده و گرفته اند و حالا بگویند نکرده ایم بیست وقت و یک بلوکی را رسیدگی کرد آنوقت تمام رعایای آن قسمت بجزح خواهند افتاد بنا بر این بنده با این پیشنهاد موافق نیستم و ماده ششم رفع تمام این اشکالات را می کند
رئیس آقای افسر
 ایشان درست ملاحظه و وقت فرمودند ما شوقیم بهجرد اینکه او بگوید من نکرده ام دیگر مالیه تحقیق و تفقیح نکند خیر ما اثبات را بدهد او گذاشتیم و گفتیم که اگر او مدلل کرد که این جور بود یک قوه قاهره بود قیدیمش کرده اند و بنده وسوسان یا بلای دیگری بشری آمده ایشان نظایرش خیلی هست (صحیح است)
 خوبت یک قدری مطالعه بفرمائید در تاریخ . همانطور که آقای هزار جریبی فرمودند آنوقت تصدیق بفرمائید ملکنتیم که برود در عدلیه . خیر برود در محاکمات مالیه ملاحظه بفرمائید از ۱۳۰۰ - سال قبل بیایدی را که آدم حاضر می کنند محاکمات مالیه یک ذوقی میکند که ندیخواهم جزئیاتش را عرض کنم این جا هم که در پیشنهاد ما نوشته ایم یا هزار اگر و قید یعنی اگر نوشته رسمی داشت اگر ثابت کرد مدلل کرد که نکرده است آنوقت برایش را بکنید پس در مقصود شما چه فرقی می کند آن رعیت بیچاره یا مباشر یا صاحب جمع ایوانجمع دار هر کدام اگر نکرده اند دولت نباید از شان . مطالبه کند دولت که این کار را نمی کند . همینقدر وقتی که بر او مدلل شد این نکرده است از او نباید جرم بگیرند زیرا

که در واقع این یک نوکری بوده است که او را فرستاده اند برود جانی پول بگیرد و نتوانسته است بگیرد حوادتی بوده که او آقا در بوسول نبوده نمیکویم قادر بر دادن نباشد عرض میکنم اگر اثبات کرد بهر طوری که خودتان می فرمائید آنوقت ازش بگیرند ما نکنتیم که برود یکی یکی افراد را حاضر کنند و از آنها بپرسند که مالیات را دادید یا نه ؟ خیر محاکمات مالیه که تمام ذوقی را آنچه می کند و در نظر میگیرد و باز هم اشکال میکند از برهان ثابت شد که نکرده است معافش کنند و اگر او بگیرد اگر نکرده بوده است که ازش بگیرند (صحیح است)
معاونت وزارت مالیه - عرض کنم که این قضیه اظهارش خیلی سهل و خوب بنظر میآید ولی عملش خیلی مشکل است اگر میخواهند مدلل کنند آنوقت تمام افراد و رعایای که مالیات آنها جمع بوده است بجزح می افتند (دینی و رهنما - صحیح است) بجهت اینکه باید ثابت کند که از این گرفته ام و از او نکرده ام و این رسیدگی کردنش خیلی مشکل است ولی در ماده هشتم نوشته است که با ملاحظه وضوح آنها وزارت مالیه مجاز باشد که در مواردی که دید بنده معافش رسول و لکن از اند و نتوانسته اند بگیرند و این و اصحیح کرد آنوقت با آنها مدارا بکنند و مساعدتی بکنند ولی اگر آنطوریکه می فرمائید عمل میشود برای رعایت دهنده نفر صاحب جمع تمام رعایا و ساکنین باورگی که ایوانجمعی آنها بوده اند بجزح خواهند افتاد (صحیح است)
رئیس - آقایان که پیشنهاد آقای افسر و آقای مؤید احمدی را قبل توجه میدانند قیام بفرمائید (آکثر بر خاستند)
رئیس - قبایل توجه شد . ماده دوم قرائت میشود ماده دوم را از روی رأیترت شود اول ملاحظه بفرم - آید برای اینکه قطعه در صورت دوم ماده اول اصلاح شده است : ماده دوم - مؤدیان غیرند بقایای از سال ۱۳۰۲ باین

طرف املاک اربابی را نسائی که همزی ملک آنها اجرا شده مطابق مالیات معمول سابق یا از اخذ شصه کمتری قانون تصفیه نمایند.

روحی - بنده پیشنهادی عرض کرده بود در ماده اول **روحی** - برای اینکه ماده و پیشنهادتان من حیث المجموع بکمیسیون مرود قرائت شد و بکمیسیون ارجاع شد در ماده دوم اشکالی نیست (نظر ساری شد) رأی بکمیسیون مرود موافقت قیام فرمایند.

(اکثرتر برخاستند)

روحی - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود **ماده ۳** - بقسای چندی هر شصه برخ متوسط سه ماهه خرمن همان سه مسمرأ در بیانات میشود و در صورتیکه خرمن مزبور از خرمنی که کمیسیون در قیام مالیات جنس بنفقتشخص داده بیشتر باشد بیخبر مشخصه کمیسیون تنزل داده خواهد شد و در قطعی که خرمن کمیسیون از نظر احتیاج ارزاقی تعیین نشده باشد حد اکثر تسعیر خرمن آزاد متوسط پنجسول بدون آفت قبل از ۱۳۱۰ که کمیسیون مطابق ترتیب منظور در قانون مرود نماید خواهد بود.

روحی - آقای بیات

مرتضی قلی خان بیات - این جا در این ماده بقیده بنده يك عبارتی دارد که روشن نیست و اگر روشن شود بهتر است و آن ارجع برخ متوسط سه ماهه سرخرمن است. این جا بطور کلی نوشته است و معلوم نیست که کدام سه ماه خواهد بود ؟ در این جا نوشته شده است سه ماهه خرمن همان سنه از اول خرمن تا آخر خرمن يك مدت غیر معلومی است اینچنین معلوم نیست بعد از بر داشت خرمن است یا ابتدای خرمن است این است که بنده عقیده دارم آقای معاون وزارت مالیه اگر این قسمت را بر دارند و اسم سه برج را همین مالیه اگر که کدام است. بهتر است تا اسباب اشکال و اختلاف نباشد **معاون وزارت مالیه** - مملکت ایران خیلی وسیع و بزرگ است و اغلب جاهایش گرم است و زودتر خرمن

بر داشته میشود و در بعضی جا ها سرد است معمول دیرتر بر داشته میشود در جنوب زود و در شمال دیرتر خرمن را بر میدارند بنا بر این در قانون سه ماه مشخص و معین تر میشود نوشت و باید نوشت برخ متوسط سه ماهه خرمن که هر ماهی با یکی از آب و هواها را براسی. ملک تطبیق کند اختلاف و اشکال هم ندارد (صحیح است) **روحی** - يك پیشنهادی از آقای فیهی رسید است قرائت میشود:

بنده پیشنهاد من **مکن** جمله اول ماده ۳ بطریق ذیل نوشته شود.

ماده ۳ - بقایای چندی هر شصه برخ متوسط سه ماهه خرمن همان سنه در عمل مسمرأ و در صورتیکه الخ **فیهی** - اینچنینا بطور کلی نوشته شد که سه ماهه همان سنه و معلوم نیست در کجا در ممرود عمل در کجا و این خیلی اسباب اختلاف حساب میشود. ولی اگر ما يك کلمه در عمل علاوه کنیم مقصود آقایان تأمین میشود در برخ معلوم میشود که خرمنی که در کوستان است مراد است یا برخ جلگه و دشت. و اگر این قيد شود نظر آقای بیات هم تأمین شده است و عبارت در عمل جامع است چون برخ عمل های کوهپایه و اینها با جاهائی مثل اطراف طهران و اینچنینا فرق دارد و اگر قيد ننود اسباب اختلاف ظاهر میشود ولی اگر قيد بشود مطلب روشن میشود.

بیات - يك مرتبه دیگر قرائت شود.

بنده پیشنهاد میکنم جمله اول ماده ۳ بطریق ذیل نوشته شود.

ماده ۳ - بقایای چندی هر شصه برخ متوسط سه ماهه خرمن همان سنه در عمل مسمرأ و در صورتیکه الخ **معاون وزارت مالیه** - این عبارت در عمل مسمرأ دریافت میشود اسباب زحمت مؤدی میشود بجهت اینکه اغلب مؤدیان مالیاتی می خواهند در مرکز حلیه در اوله مرکزین مالیه حاشایشان را با مالیه تصفیه کنند و اداره آتوقت اگر در عمل نوشته شود باید مرود بمحل شان و آن اسباب زحمت و اشکال است و باین شرحی که ما نوشتیم

کند بیکم اشکالی داشته داشته باشد و این برخ خود عمل است.

روحی - آقایان پیشنهاد آقای فیهی را قبل توجه بپایانده قیام فرمایند (اغلب نمایندگان برخاستند) قبل توجه شد. ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - بقایای مالیاتی املاک مخروبه و تسکته که کسر و تسکست ملک مرود تصدیق وزارت مالیه واقع باشد از ماخذ مالیات نتیجه همیزی قانونی تصفیه و بقایای چاس این قبل املاک برخ روز پرداخت مسمرأ مأخوذ خواهد شد.

روحی - اشکالی نیست (گفتند) خبر رأی بکمیسیون بیادیه چهارم آقایان موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

روحی - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود **ماده ۵** - بقایای مالیاتی در هر سنه معادل يك ربع مالیات جاری همان سال از قرار اقساط مقررده در قانون منتهی همیزی و وصول میشود و از حیث جرائم تاخیر قیام مقررات قانون مزبور خواهد بود.

طریقه وصول بقایا از مستنکفین بر طبق مقرراتی خواهد بود که قانون منتهم همیزی برای وصول مالیات جاری مقرر داشته است.

روحی - موافقت با ماده ۵ قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

روحی - تصویب شد. ماده ۶: **ماده ۶** - مالکین خالصجات انتقالی مکلفند بقایای سنواری و املاک خالصه انتقالی را از سال ۱۳۰۲ قیامت ۱۳۰۶ بقرارجمع معمولی سابق یا سدی پنجاه عایدات خالص مالکانه که در نتیجه همیزی قانونی تشخیص داده شده بپردازند و اقساط بقایا در هر سال معادل سدی پنجاه عایدات خالص مالکانه اخذ میشود و املاک مزبور از سنه ۱۳۰۲ بپید تابع مقررات قانون خالصجات انتقالی بموجب ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۶ و قانون منتهم آن بموجب ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ خواهد بود و مأخذ تسعیر

بقایای چندی خالصجات انتقالی در قسمت املاک کسر و تسکست دار مطابق ماده ۴ و در غیر آن بر طبق ماده ۳ خواهد بود

روحی - آقای روحی

روحی - عرض میکنم بنده بنظر يك اشکالی میرسد بالنسبه به بقایای که از خالصجات انتقالی باقی میماند میکویند با مطابق مالیاتهای سابق بگیرند یا سدی پنجاه بالاخره این مسئله است بنظر مالیه و عقیده بنده این است که باید بنظر مالک باشد که یا او قبول کند یا این مالیه را الا اگر اینطور باشد این باعث میشود که مؤدورین مالیه هر کجا میل داشتند مالیات سابق را بگیرند و هر کجا که میل نداشتند بگویند سدی پنجاه بدهند و این تعیض بعقیده بنده منی ندارد و عادلانه همان سدی پنجاه است و قسمت اول چنانچه حذف شود بهتر است

معاون وزارت مالیه - اینکه آقا فرمودند در موافقت است که مالیات زیاد باشد یعنی مؤدی مالیات از عهده پرداخت بقایایش بر نیاید آتوقت بسیار خوبست ولی هر عکس هم هست اغلب جاها است که مالیات جزء همی را هم مالکین میبخواهند بدهند یعنی صفت عادلانه خیلی بیش از مالیات جزوجهش می شود و اینطور که آقا میفرمایند ممکن است قبول کنیم ولی کلاً بیشتر مردم تمام میشود و چون در این ماده يك نظر دیگری هم هست که حالا چون یکی دو ماده بکمیسیون بر گفته نقاضا میکنم این ماده هم بکمیسیون بر کرده نسبت به بقایای هم که قبل از ۱۳۰۶ هست يك نظری بود است که این قسمت هم در همانجا حل شود **روحی** - (خطاب بقای مجیر) شما باید نقاضا کنید **مخیر** - بنده هم نقاضا میکنم که ماده ۶ بکمیسیون مراجعه شود **روحی** - پیشنهاد آقای شریعت زاده و هم بر سر همین نکمیسیون. ماده هفت قرائت میشود: **ماده ۷** - بقایای مالیاتی (اسم از اربابی و خالصه

انتقالی (املاکی که بعد از تصویب این قانون نقل و انتقال می شود از عیادت مالکانه دریافت خواهد شد و ملی بقایای املاکی که قبل از این قانون نقل و انتقال شده باشد بر عهده مالکی خواهد بود که در موقع خود مالیات را پرداخته است .

ولیس - آقای بیات
بیات - بنده در این ماده عرضی ندارم
ولیس - رأی میگیرم به ماده هفت آقایان موافقتی قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد . ماده هشت .

ماده ۸ - بقایای ستوانی افراد ایل تا آخر ۱۳۰۱ بتعقیف منظور خواهد شد نسبت به بقایای ازنه ۱۳۰۲ به بعد ایلات و همچنین نسبت به بدعی صاحبجات ایلات و املاک اسم از بقایای قبل یا بعد از ۱۳۰۲ وزارت مالیه مجاز است با ملاحظه وضعیت افراد ایل و صاحب جهانات رعایت مقتضی را از حیث اعطاء تعقیف و امهال بعمل آورده محاسبه ستوانی را تصفیه نماید .

ولیس - آقای دیا

دیا - سابقاً که این لایحه در کمیسیون مطرح بود و آقای وزیر هم تشریف داشتند راجع بمالیات ایلات بنده عرض کردم بعضی از ایلات هستند که تخت قابو شده اند و میشوند مالیه فعلی هم از آنها مالیات ملکی میشود و می شود مالیات ایل و بالاخره قرار بود که یک اصلاحی در کمیسیون بشود حالا می بینم که اصلاح نشده بنده عقیده ام این است ایلاتی که آمده اند و تخت قابو شده اند باید از مالیات ایل معاف باشند و در اینجا هم تصریح باید بشود

معاون وزارت مالیه - افراد ایل که تخت قابو میشوند از تاریخی که تخت قابو میشوند از پرداخت مالیات ایل معاف هستند مگر در صورتیکه سرمایه ایل شان

مالیات خودشانرا پرداخته اند معاف کرده ام آنوقت خیلی بر خلاف منطبق است که مؤدی مالیات معاف شود ولی صاحب جمع که مأمور جمع آوری مالیات بوده است معاف نشود بقیه بنده خوبست این نظر هم تا بنین شود چون در ماده ۸ می نویسد اعطای تعقیف بنده عرض میکنم که اعطای تخفیف کافی نخواهد بود مقتضی است نسبت پانهاهم ارفاق کنید و مساعدت کنید تا بنین بعد از اعطای تخفیف باید نوشته شود و معافیت و قطعاً خوددنتهم همین نظر را دارم ولی این توضیح برای اینکه خود وزارت مالیه در موقع عمل دچار اشکال نشود البتلازم است

معاون وزارت مالیه (آقای سیاح) - در قسمت اول که فرمودند بطوریکه عرض کرده ام ایلاتیکه تخت قابو شده میشوند مالیات ایل گرفته نمیشود حالا اگر یک ماموری داشته است که درست اقدام نکرده مراجعه کنند والایه رفع مزاحمت از آنها خواهد شد اما در قسمت دوم که میفرمایند بعد از اعطای تخفیف نوشته شود (معافیت) بنده بطور مثل میخواهم عرض کنم یک کسی پنج هزار تومان بدکار بوده است چهار هزار هفتاد تومان داده و سید تومان پانزده مانده است و اختلاف دارد با وزارت مالیه که میگویند پنج هزار تومان نکرده ام و چهار هزار هفتاد تومان گرفته ام آنوقت اگر ما بخوانیم بطور کلی معافیت را هم قائل بشویم یا بنیستی از این چهار هزار هفتاد تومان را هم که تحویلش است صرف نظر کنیم و تماشایز بین برود (دشتی - صحیح است)

ولیس - آقای افر

افسر - اینکه قانون راجع به تخت قابو گذشته مقصود قسط برای ایل ایل مخصوص بود بلکه مقصود این بود که ایلات چه باید بکنند ایلات باید بیایند و آب و خاک پیدا کنند ملک پیدا کنند که از تمدن خود دور نشینیه بجه ما شان را بیکجا بفرستند و غیر متعین بار بیایند که یک وقتی اشرار بشوند آنها را با خودش مساعدت کند ، مقصود اینها بود مقصود این بود که یاسد کوسند و بز و یاده تا شتر داشته باشند

حالا برای این اختلاف که در وزارت مالیه پیش آمده مخصوصاً تصدیق دارا و مأمورین وزارت مالیه و آنهاهی که محصلدار کوچک هستند وقانون را درست نمیبندم و اطلاع ندارند حالا مقصود آقای احتشام زاده اینبود که آقای معاون یک توضیحی بدهند که رفع اختلاف بشود که کدام را تخت قابو میشناسید یعنی آنها که در ده هستند آنها را بدخت قابو می شناسید یا نه ؟ برای حل این قضیه نمنا میکنم یک توضیحی بدهید که رفع اختلاف شود

معاون وزارت مالیه - هر توضیحی را که بنده بخوام در اینجا عرض کنم باز ممکن است که اسباب اختلاف تازه بشود این است که این قسمت را ممکن است در خارج با آقایان بماندگان مذاکره کنیم وحل کنیم برای اینکه ممکن است در پنجاه فرسخ فاصله یاسد فرسخ فاصله افراد ایل که طایفه دو فرسخ و دو فرسخ دارند ولی زمستان بیرون میروند و ناستیغ می بیایند در دهه و در آنجا چند دستکاهی داشته باشند آنوقت ماسه اینرا چه بگذاریم شصت فرسخ راه هفتاد فرسخ راه بیلان و قشلاق میکنند این است که بنده از آقایان تقاضا میکنم که این موضوع را بگذارند در خارج مذاکره کنیم تا رفع اشکال بشود .

ولیس - یعنی میفرمایند مالیه هشت هکتار

معاون وزارت مالیه - تغییر عرض میکنم البته ایلاتی که تخریبی شده اند که بویچ قانون معاف هستند حالا در بعضی موارد تصور میکنند که مالیه درست قانونرا اجرا نکرده است بنا تذکر بدهند اگر واقعاً درست اجرا نشده مذاکره میکنیم و اصلاح میکنیم ولی مربوط باین ماده نباشد .

ولیس - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده است ؛ بصره - افراد هرابلی که تخت قابو شده باشند از آدوبه مالیات ایل معاف و در مالیات مشمول مقررات عمومی خواهند بود .

شریعت زاده - اساساً این پیشنهاد را برای بیان توضیحی عرض کردم که بدوالت این مطلب تذکر داده شود که اگر از افراد ایل کسانی که تخت قابو شده باشند

دیگر حق ندارند بمشاوران اینکه احشام و اغنام دارند مالیات بگیرند و اگر آقای مامون وزرات مالیه موافق باشند بد هم نیست که این پیشنهاد تصویب شود و این یک تصویبی است که اهمیتی هم ندارد برای اینکه افراد ایلی که تخت قابو شده اند دیگر مالیات ابل ندارند و مالیات ارض میدهند قانون هم در این موضوع تصویب شده و حالا هم اجرا است متأسفانه در بعضی موارد اجرا نمیشود این بود که تقاضا کردند این را در خارج مذاکره کنیم ولی کاری در این خصوص بشود والا قیاق در این موضوع وضع شده و در این قانون مکرر میشود.

شیرعت زاده - به پیشنهاد آقای شریعت زاده رأی بگیریم یا مسترد می‌دارد.

شریعت زاده - مسترد میکنم
ولیس - آقای احتشامزاده هم شنبه آنرا پیشنهاد کرده اند و پیشنهاد دیگر هم کرده اند
پیشنهاد آقای احتشامزاده

پیشنهاد میکنم که این ماده هم بکمیسیون ارجاع شود
ولیس - عرض کنم که ارجاع بکمیسیون بعضی پیشنهاد بکنفرمانه نمیشود اگر مخیر تقاضا کنند میشود
آقای احتشامزاده پیشنهاد شما را بخواهم
پیشنهاد - بله بله

پیشنهاد آقای احتشامزاده
افراد ایلات که تخت قابو شده اند یا میشوند از تأویبه مالیات ابل و مالیات اغنام احتشام معافند - طباطبائی دلبا احتشام زاده.
ولیس - آقای احتشام زاده

احتشامزاده - بنده تصور میکنم در قانون سابق که گذشت تکلیف مالیات ایلات و اغنام و احتشام معین شده باشد ولی متأسفانه در عمل آطوروی که منظور قانون بوده مأمورین مالیه عمل نمیکندند و راجع به تخت قابو هم تیرات مختلفی می کنند که هیچ مطابق با قانون نیست چطور تعمیر میکنند یا مأمورین مالیه میگویند تخت قابو

عبارت از این است که، یک فردی زندگانی و زراعتی داشته باشد و اغنام و احتشام خود را هم به بیلاق فرستد این یک چیز عجیبی است بنده تصور میکنم که آن قانون گذار این بوده است که یک افرادی که آخر طرز زندگانی میکردند یک امتیازی برایشان قائل شوند که اگر بیابند و آن زندگانی ایلاتی را تغییر بدهند و زندگانی شهریور ده تعیینی اختیار کنند از آن ایلات معافند این نظر بنده است ولی موضوع احتشام در نظر بوده است الا در تمام نقاط مختلفه اشخاص دیگری که اغنام و احتشام دارند مجبورند از نگاه نظر تالیف اغنام و احتشام خودشان را به بیلاقت بفرستند و همین طور در موقع زمستان به قتلای می فرستند پس از اینها باید مالیات اغنام و احتشام گرفته شود بنا بر این منظور این نبوده است چنانچه آقای شریعت زاده هم فرمودند بالاخره طرز عمل که مأمورین مالیه دارند تولید این زحمت را نموده است اگر آقای مامون وزرات مالیه تقبل میفرمایند این مسئله را با مراجعه بسواهی که دارد و کتابیات متعددی که از طرف مؤذیان وزارت مالیه رسیده مراجعه بفرمایند و این طرز عمل را تغییر میدهند یعنی ایلاتی که تخت قابو شده اند و منزل دارند و زراعت دارند معاف هستند ما اصراری نداریم و پیشنهاد ما را مسترد می‌داریم و اگر چنانچه لازم میدانند که این قضیه محتاج بیک قانونی است که اصلاح بکنند قانون سابق را ممکن است همین پیشنهاد را اگر هم لازم میدانند اصلاح بکنند که این نظر تأمین شود که اشخاصیکه تخت قابو شده و یا میشوند از شان مالیات اغنام و احتشام گرفته نشود.

معاون وزرات مالیه - بنده همانطور که عرض کردم، به بیلاق میفرستند و از شان هم مالیات ابل گرفته نمیشود اما افرادی هستند که چنانچه عرض کردم اگر سرمایه ابل خود را از دست نداده باشند یک طائفه بایستی پنجاه هزار تومان مالیات اغنام و احتشام بدهند و اینها هم خودشانرا بگذارند که تخت قابو شده اند یعنی پنجاه من زمین کندم زراعت میکنند و دومن هم کندم بدون مالیات میدهم بنابراین مالیات ابل نباید بدهم این را که نمیشود قبول کرد اونوقت در موقع تابستان هم برود در مکتب فرسخ فاصله بیلاق و قتلای کند عرض کردم دولت است در خارج آقایان آن موارد بخصوص که تصور میکنند اجرا نمیشود تذکر بدهند و اگر یک بوردی هست که حقیقه قانون بطوریکه باید اجرا شود نشده ما اصلاح میکنیم حالا یک قانون دیگری وضع کنیم برای تأیید قانون اولیه این حقیقه خوب نیست.

ولیس - (خطاب با آقای احتشامزاده) استراده میفرمایید **احتشامزاده** - منظور بنده و آقای دلبا این نبوده که یک قانونیکه گذشتند تأیید بکنند منظور ما این بود که قانونی که راجع به تخت قابو مأمورین مالیه تعمیر میکنند توضیح داده باشد ولی حالا که آقا قبول فرمودند که در این موضوع توجهی نکنند و اگر چنانچه محتاج بتوضیحی باشد لایحه میروند البته مسترد میکنم.
ولیس - بنده هم استرداد میکنم.
ولیس - موافقتین با ماده ۸ قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند)

است همینطور که در قسمت ۳ از ماده اول بود اختلاف میشود بین وزارت مالیه و یک فردی مالیات مالیه بگیرد طلبکارم از میگوید خرید بده کار لیست بده عقیده ام این است که یک مرجعی را باید معین کرد که آن مرجع رسیدگی کند بنده در آن قسمت تصریح پیشنهاد کردم و آن قسمت بکمیسیون رفت بایستی لا اقل ما حکم مالیات محاکات مالیه را قبول کنیم که اگر یک بوردی ما به اختلاف شده مرجع اختلاف را مالیه حمل بکند و لا اقل در بعضی موارد مالیه این اختلاف حل شود و این قانون یک مدلی را برای ابتکار معین نکرده و رعایت حقوق یک قسمت از افراد را نکرده اند و موقع اشکال را هیچ بنظر نیآورده اند این طرز خوبی نیست

معاون وزرات مالیه - عرض میکنم که بقایای که هست و ایشان تذکر دارند ممکن است صاحبان جمع که دارند آن بقایا هستند یک مطالباتی اظهار بکنند و اسناد و مدارک هم داشته باشند این اسباب سود تمام نبود آطوریکه شما فرمودید لیست اسناد و مدارک دارند و خرجهایی کرده اند و با اجازه دولت هم بوده است ولی در بوجه بوده است البته نمیشود حساب آنها را برداشت و البته بایستی بقایا را هم وصول کرد یعنی این قبیل بقایا را ما برای تهیهی بقایا بکنیم بقایا را وصول کنیم اینطور در نظر گرفتیم که ان اسناد و محیبتان را قبول کنیم و اگر چیزی بقایا باشد بگیریم و اینطور نیست که محتاج بحماقت باشد

ولیس - یک یادآوری برای هیئت باید همه آقایان بکنم آقایان تند نوبهها بکنند که صورت مذاکرات جلسات را مطابق التعمل تا عمل بنویسند و ابتدا آنها را معذور نمیتوان دانست که کلمه را عرض کلمه دیگر بنویسند حالا اگر یکی از آقایان در موقع تفریر رویش را بفرم معکوس آقایان بکنند کلمات ازین میروند فقط میشود (صحیح است) و آنها هم - مؤذیان خودشان را در مقابل بنده نمیتواند ایفاء کنند یادآوری میکنم که آقایان هر

وقت خطاب میکنند سدایشن و مواجه شان بطرفی باشد که آقایان بندت نوربان نشسته اند (صحیح است)

رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - بنده مقصود این بود که آقای روحی بك فرمایشی كردد كه اینجا بطور كلی نقض غرض میشود در صورتیکه این ماده بلغ مردم است و همین سروری كه نوشته شده خوبست و همینطور كه آقای معاون هم توضیح دادند این قسمت هیچ عاقله و این چیزها را لازم ندارد این برده اشخاصی است كه يك نوع پرداخت و يك نوع خرجی كرده این قبیل اینکه مثلا فرست بفرمایند يك خادمی درك چای قند قانوی كرفته است اجازه هم داده است ولی بودجه برای اینكار دران سال منظور نشده يك بغایای مالیاتی هم بده دارد حالا بوجوب این ماده وزارت معالیه مجاز خواهد بود ان طلب ها را در مقابل بدهی مالیاتی محسوب دارد و این را اگر هرطوری بخواهد تقییرش بدهد نقض غرض میشود و خود ماده پیشنهادی كسیون کافی است
(عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است)
رئیس - موافقین با ماده هم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - صوبت شد. ماده دوم:

ماده دوم - چنانچه در نتیجه اجرای این قانون مالیات جزء جمعی و متعالی خالصگی در پاره موارد از مأخذ بدهی یعنی از سنوات مربوطه تنزل نماید و پرداختی مؤدیان در سنوات مذکوره بیش از این مأخذ بوده ولی از مالیات و مثال جزء جمعی سابق تجاوز ننماید محاسبان خانده یافته محسوب خواهد شد

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - این ماده ده هزار ماده ایست در شور اول هم بنده از آقای غیر خواست كردم كه آن را برای بنده ترجمه و تفسیر كنند ابجهه اینکه این عبارت فارسی نیست بعد خود ایشان از من تقاضا كردند كه آن را فارسی كنم كه ولی هرچه بنده خواهم چیزی نفهمیدم و نمیدانم مقصود از

تومان رد كنند آرا دیگر باو نمیدهد. مربوط براینكه جزء جمع سابق هم از هزار تومان دویست تومان بیشتر باشد. اگر بیشتر هم باشد تكلیف او را معین نكرده چه باید بكنند در هر حال هر مقصودی هم از این عبارت وارد تصدیق بفرمایند این عبارت معلوم نمیکند كه موضوع چیست و مقصود از این ماده كده نوشته شده برای چه منظوری است؟ حالا استدعا میکنم با آقای مخبر یا آقای معاون و اربت مایله مطلب را توضیح بفرمایند و بعد هم عبارت را طوری شویسند كه واضح باشد كه معلوم شود چه چیز است زیرا بنده از هر کدام آقایان كه پرسیدم نتوانستند توضیح بدهند.

معاون وزارت معالیه

ممكن است عبارت همینطوری كه میفرمایند بكفتری ممكن باشد. موضوع شدن به آن ولی مقصود این است كه ممكن است يك شخصی چندین ققره ملك داشته باشد مطابق این قانون راجع بشده این املاك هم بقایای داشته باشد كه مالیه میخواند حسابش را رسیدگی كند در یکی از این ملك ها كه باید مالیات بپردازد مطابق این قانون كه حالا گذاشته میشود بك تخفیفی برئی آن قائل می شوم و تفتیک حساب میکنم يك مقداری جنس يك مقداری نقد از آن ارفوقی كه این قانون شده زیاد بر پرداخته یعنی ما مأخذ جزء جمع تفتیکش زیاد بر پرداخته ولی نظره ارفوقی كه در این قانون شده است میگوید بنده چنانچه دو تومان بیشتر از این ارفوقی پرداخته اند آنرا ما دیگر طرف توجه قرار نمیدهم كه بگوئیم این پنج تومانی كه شما نسبت بارفوقی كه در این قانون شده زیادتر دادهای از باب مالیات جای دیگر حساب كنیم. همینقدر كه تجاوز نكرده از مالیاتی كه میباشی قوتاً بپردازد آن را پرداخته شده حساب كنید و داخل میباشد این تصدیق ولی البته اگر از میزانی كه باید پرداخته شود یعنی از میزان جزء جمعی سابق هم زیادتر داده البته حالا هم باو داده می شود و باید هم باو داده شود مقصود عبارت این است و ممكن است عبارت اصلاح شود.

رئیس - آقای قاضی

قاضی - بنده هم موافق هستم و نظرم این بود كه البته این عبارت باید اصلاح شود.
رئیس - آقای افسر
افسر - بالاخره با این مستوجب تخفیف بوده یا نبوده اگر مستوجب تخفیف نبوده كه هرگز نتواند داد و اگر مستوجب تخفیف بوده چه فرقی میکند كه حالا این را ازش بگیرد یا اگر داده است باو پس بدهند. اگر مستوجب تخفیف بوده و زیادی داده برای چه باو پس نمیدهند؟ چرا اگر مستوجب تخفیف است تخفیف بدهد و الا ندهد. لکن چون اینجا بست تخفیف نماند آنچه ممكن است هزار تومان زیادتر داده باشد باو پس ندهد چرا؟ این ماده كه صحیح نیست؟! بالاخره این ماده سه مبهولی است كه باچیز و مقابله سه درجه هم نمی توانم حل كنم بؤل آقای فهیم الملك چه مناسب است اگر زیادتر داده حساب نكند این عبارت بكلی معادله ندارد. خلاصه اش میگوید كه اگر زیادی داده نكرد. عرض كردم ممكن است تخفیف پنجاه تومان باشد زیادی پنجاه تومان نمی دانم آقای مخبر چه جور این عبارت را درست کرده اند تا در حساب دست بیايد.

مخبر - اولاً توضیحاتی كه آقای معاون دادند گمان

میکم طوری بود كه دیگر محتاج نباشد كه صحنی بشود. این ماده می گوید اگر مالیات جزء جمعی قانونی سابق يك مبلغ معینی بوده مطابق آن مالیات جزء جمع قانونی فرض كنید این مدتومان مدیون است لکن ما این قانون را كه اجرا كنیم و این تخفیفاتی كه در این قانون منظور شده است این را شامل حالش كنیم می بینم مدیون نیست یعنی فرما و تفتیک تا پنجاه تومان تخفیف باو داده ام این تخفیف باو بدهیش مطابق كیف می بینم اگر سابقاً كاین قانون وضع كند بود و تخفیف بهش نمی دادند این آدم طلبكار نبود و يك مقدار هم بایشی بدهد ولی این قانون را كه ما امروز وضع میکنم و آن شخصی كه طبق ترتیبات سابق

مدیون بوده است حالا برطبق این قانون دیگر مدیون نیست و يك باغي هم طلب دارد ميگویند از استقامتاری كه طلب كار شده در اثر دادن تخفیفات باید صرف نظر كند اما از دینی كه مطابق قانون سابق داشته است برای چه صرف نظر كنیم؟

ولیس - آقاى شریعت زاده

شریعت زاده - از توضیحات آقاى معاون وزارت مالیه معلوم شده كه مقصود چیست این مقصود در ظاهر موجه بنظر می آید ولی بنظر بنده صحیح نیست زیرا اگر دولت نظرش بوجود دلالان و بیابازخاری نظر بنمائی لازم مبادلت است تخفیف داده شود این مناط قبالاً هم وجود داشته و بعد هم وجود خواهد داشت باین این هیچ دلیلی ندارد كه امروز كه مین می شود این آدم ملكی كه داشته است و بنایى داشته و يك قسمت از بقایا را هم پرداخته و قانون طلب هم ميگویند بنایى مالیاتی تصفيه نشده هم مشمول این است پس مطابق اضاف باید مطابق مناطی كه در این قانون منظور شده اگر معلوم شود پس از منظور داشتن تخفیفات اضافه داده است باید بخش داده شود اما نظر بنده بهتر این است كه ما با همین طریقی كه نوشته شده موافقت نمائیم و از قفل نظر طرفه و استدلال مشاهدات و چیزهای اضافه تكلیف يك كسى كه مالیات او داده است اگر حالا زیادتر از جزو جمع باشد كه خود دولت اصلاح ميكند و اگر كتر از جزء جمع باشد باز ارفاقی نسبت به او شده و با او مساعدتی شده است لزومی ندارد ماده را تغییر بدیم. و همین طریق كه نوشته شده است باقی بماند بنظر بنده بهتر است.

ولیس - آقاى فلسفی

فلسفی - گمان میکنم بادمغان است بيك عبارت بهترى نوشته شود كه رفع اشكال آقاها هم بشود همانطورى كه آقاى معاون وزارت مالیه فرمودند این ماده مربوط است باشخصى كه چند ملك دارند ولی این عبارت بنده خیال ميكند در يك كسیون باید اصلاح بشود و واضحتر بشود در حال بنده این حق را ندادم كه قاننا كم هم

ولى اگر زارع شود دولت باشد و هنوز هم در ملك خرد بماند باشد آن را معاف ميكند ولی اگر برای خودش با يكى از افراد مردم زراعت كند چرا او را معاف بنمایند این معنى ندارد. در اینجا مقصود زارعیتى است كه در خالصه دولت زراعت كرده و ميكند نه آن اشخاصى كه خارج شده اند و رفته اند در ملك ديگرى زراعت ميكند البته اگر دولت طلبی از آنها دارد باید ازشان بگيرد. (صحیح است)

ولیس - آقاى افسر

افسر - كتابه این لایحه كه از طرف وزارت مالیه تهیه شده است يكى از قوانین بسیار خوبى است كه موجبات آسایش مردم و افرام ميكند و واقعاً اسباب خوشوقتى است و از اول تا آخر آن دو چیز منظور بوده اول آسایش مردم و دوم ختم محاسبات معوقه و بقایا ملاحظه فرمائید رعایا در ملكت ما مثل بعضى از ملكات نیستند كه در قدیم بالای ملك خرد و فروش می شدند و رعیت سر ملك بود. رعیت من و شما و خانه آنها همه يك مثالى است كه اگر استعمال شود مجازى است (صحیح است) بعضى اگر يك رعیتى دولت داشته است در ملك خالصه و رفته است در ملك ديگرى دوباره ترساده است او را باورده به ملكش و اتافاً اگر در قاط دور دست نسبت يك رعیتى باقى كاری كرده باشند در زمانى كه ایلخانی كرى معمول بوده یا حكومت های جزء يك حرکت از این قبیل كرده باشند آن بقدرى مستهجن است كه توبیخ داشته است. لكن حالا رعایا مختار هستند بمخواهند در خالصه یا در جای دیگر رعیتى البته این منظوری كه فرمودند اگر رعیت خالصه است ارفاقى بشود اگر نسبت خیر بنده ملتفت شدم و البته مطابق مقصودشان نوشته اند ولی بنده قاننا بيكم يك پيچاده كه هفت سال هفت ساله داد سال در ملك خالصه زراعت كرده و صد تومان باقى آورده و حالا يك سال رفته است در جای ديگر رعیتى كرده و ایضا ديگر معرض نشوند او مضطر شده نباشند است بعد آنت دیده است آزار هم از دقار حذف كند -

يكى ديگر این كه دمدامه می نویسند كایه بدهى زارعین كه ساكن بوده و در خالصه مشغول زراعت هستند این نظر (هسته) معاینات این است كه الا آن بائى باشند اگر رعیتى بست و بنیستال عرش را در خالصه صرف كرده است و الا آن نسبت بدهى داشته و رفته نباشند است بدهد حالا چطور باید ازش گرفت و این هم فراموش نشود كه این منحصر نیست و تمام اشخاصى كه مالك هستند این گرفتاری را دارند كه پول میدهند بزراعتین مساعدت میدهند بدهم زارعین براسطه آفت و بی باشند از بین میروند (صحیح است) و هرگز آن را از آنها تقبیل نمیکند هر اربابى را كه برسد هر مالكى را كه برسد سالى يك باغى از این ضررها بقدر عشر و خمس عایدیش از دست رعایا و زارعین دارد (صحیح است) بعد جای ديگر كه رقت ديگر تقبیلش نمیکند برای اینکه ندارد ملاحظه فرمائید این ديگر نمى رود در عدلیه یا منلحه شكایت كند شما چگونه تقصیر كنید در محاكم بنامه نفره بدها نمیکند كه يك اربابى از دست رعیتش شكایت كرده باشد كه بست سال مساعدت داده ام خورده است اینها هم جزو سایر محتاج ملكى است و دولت هم هیچ امتیازی در این موضوع برای خودش نباید قائل شود بهتر این است این موافقت را فرمایند و البته قانناً هم نماند. این باقى زحمت بی چینی است هرچنان كه برود بدایش كند بدایش نمیکند اگر هم بدایش كند رعیتى كه صد تومان پنجاه تومان مساعدت گرفته و حالا ندارد رفته است صد فرسخ پنجاه فرسخ شست فرسخ متواری شده در فلان جزه تریاك ميگيرد یا كبریا ميگيرد از او چه چیز ميگيرد؟ پس خويست مثل سایر مالكين دولت هم این قسمت ها را هم مثل سایر محتاج ملكى و سایر آفات قرض كند و این رعایت را در باره رعایای خالصه بودمانه فرمایند و محاسبه را هم ختم كند و البته بزمخت و ضررش نباشد آورد. همانطورى كه آقاى محیط و سایر همكاران بنده توضیح دادند گمان ميكند این آخرین موافقتی است كه وزارت مالیه می فرماید و این قانون

پیشنهاد دیگر آقای دهستانی

هم بهترین قانونی است که در این دوره گذشت و باین قسمت هم مثل سایر قسمت ها که همه اینها مساعدت با مردم است موافقت فرمایید و البته نباید دولت از قلم لفظ وصول مالیات ضروری داشته باشد ولی مساعدت این است و همچو اقتضا کرده است که نسبت به بنای کدشت و نسبت برعکس که میداند ندارند این مساعدت را اجراء کند و ما هم کمال خوشوقتی را حاصل میکنیم (صحیح است) و این هم بهترین قانونی است که در این دوره گذشت و میگذرد.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم اول این که تمام آقایان مالک هستند (یکی از نمایندگان - آقا بلنزر - نمی شنوم) باین عرض کنم که اینجا در ماده ۱۱ نوشته است کلیه بدهی زارعین و رعایای خالصجات دولتی که در دهات خالصه ساکن بوده و متغول زراعت هستند. بنا استحضاری که الآن مشغول زراعت هستند و این بنا استحضاری که نسبت پس تبعیتی برای آنها باید قائل شد. دوم بنا استحضاری که زمین خالصه بوده و در ده خالصه هم ساکن بوده و در آن معاملات خالصه از هستی ساقط شده و حد و حد سال سرگردانی است و دفتر دولت راجع نباید در همچو موقعی معتدل کرد (صحیح است) وقتی بطور وضوح در لایحه نوشته می شود که ساکن هستند و مشغول زراعت هستند البته این معلوم می شود و تصدیق می فرمایید که این استحضاری کند و اما اینکه عرض کرده ام کلمه و غیره در قسمت آخر مال الاجاره اشاره شود منظور بده این بود زیرا اینجا دو قسمت است بطور کلی مستأجرین یکی مشمول است و یکی بیضاعت آن کسی که مشمول است و یک لایحه نان دارد آنها اجاره شان را میدهند بعضی اوقات به آنها مساعدت هم میدهند و تمام آنها ماورین دولت حسابان را گرفتند و بعضی هاشان املاک بدهی ندارند اما آن کسانی که بیضاعت مساعدتشان فقط آن چیزهایی است که در آن ابقار بوسیده و مانده و هیچ خریدار نداشته آنها هم احتیاج داشته اند و بهر قیمت ماورین مالیه به آنها تحویل کرده اند قبول کرده اند و سز عبدالعالمی گرفته اند مثلا ملاحظه فرمایید بکفر کشاورز کرده است گاو خریداده به او داده اند بزوان قیمت گاوین فردا اسباب اشکال خواهد شد چون اینجا نوشته شده است بتوان مساعدت و حال اینکه اینجا چندین جا

بیشتر از نمایندگان - کافی است.

معاونت وزارت مالیه

مقصد از این ماده همین بوده است که رعایت رعایای خالصه بشود و این نظری که آقا دارند که بطور کلی این عمل بشود این مقدر نیست و هرازه که ممکن بوده است خود دولت اوراق کرده است اگر یک موردی هم پیدا شود که باز باید با آنها مساعدت بشود همینطور که میفرمایند البته آنوقت باز پیشنهاد خواهد شد و اینکه هاشان اوراق بشود ملاحظه فرمایید باید هر چه از رعایا میخواهد صرف نظر بکند پس پیش از این اندازه برای رعایای خالصه اوراق ممکن نیست.

رئیس - آقای فتاحی فرمایشی دارید

فتاحی - خبر

(بسی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادی را آقای دهستانی سید است فرات می شود:

پیشنهاد آقای دهستانی

بده پیشنهاد بیکم قسمت اول ماده ۱۱ بملق ذیل اصلاح شود:

ماده ۱۱ - کلیه بدهی زارعین خالصجات دولتی که در دهات خالصه مشغول زراعت بوده و یا هستند که مربوط بطلب و معاملات قبل از سنه ۱۳۰۵ دولت باشد از بجز و مساعدت و مال الاجاره مانده و جنساً معاف خواهد بود الی آخر.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای دهستانی قرائت میشود:

است سببه مساعدت جنس مساعدت قدی گاو و امثال آنها است و هستند رعایایی که هر کدام یک سببه از این سبغ خبلی بده کار هستند در صورتیکه اگر این لفظ و غیره را اضافه بیکم رفع تمام این اشکالات می شود و تمام موارد بده کاری آنها را میبرد در صورتیکه ماده یک کلمه را نوشته و سایر موارد را شامل نخواهد شد علاوه یک چیز دیگری خدمتان عرض کنم اینکه نوشتار مربوط به معاملات قبل از سنه ۱۳۰۵ بده متوجهش این است که قسمت خالصه مثل نسبت مالیاتی نیست پس همه ساله مالیات اشخاص پستی خودش باقی می ماند بدهی خالصه وقتی که سال منقضی شد آن را تجدید میکند. میگرداند در قرار داد سال بعد و همینطور سال بعد تجدید می شود و بدهی های سال قبل باقی بماند می شود و اگر قسمت آخر پیشنهاد بده منظور شود رعایت کلی از رعایا خواهد شد و الا باین ترتیب که ماده تنظیم شده هیچ رعایتی نمی شود

معاونت وزارت مالیه

تصدیق فرمایید که گذاشتن لفظ و غیره در قانون خیلی اسباب زحمت و اشکال خواهد شد برای اینکه نمی شود از حالا تمام آن موارد را پیش بینی کرد و با اضافه این و غیره می توانست هرگونه مطالباتی را داخل کند بجز و مساعدت و مال الاجاره و قد و جنس و همه آنها پیش بینی کردش مشکل است و بایستی در عمل توجه بود و دید چهلود معاملاتی بین رعایای خالصه هست و اگر بخواهم همه آنها را معاف بیکم که نمی شود و این لفظ و غیره اسباب زحمت می شود.

رئیس - رای بیکم به پیشنهاد اول آقای دهستانی

بکمرتب دیگر قرائت می شود:

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد بیکم قسمت اول ماده ۱۱ بملق ذیل اصلاح شود:

ماده ۱۱ - کلیه بدهی زارعین خالصجات دولتی که در دهات خالصه مشغول زراعت بوده و یا هستند که مربوط

بطلب و معاملات قبل از ۱۳۰۵ دولت باشد از بجز و مساعدت و مال الاجاره مانده و جنساً معاف خواهد بود الی آخر.

رئیس - آقایان که با این پیشنهاد بوسی که قرائت شد موافقت فرمایند.

(اگر قیام نوردند)

رئیس - قبیل توجه شد. این ماده هم میبرد بکمیسیون ماده الحاقیه هم قرائت میکنم و بکمیسیون می فرستم:

مقام محترم ریاست مجلس دامت شوکه ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می نمایم:

ماده الحاقیه - بنیای مالیاتی مستلزم و باغات و طوابع نیز مشمول این قانون خواهد بود. مطابق ادبیا **طباطبائی دیا** - این ماده تماماً مربوط است به بنیای مالیاتی املاک و هیچ نظری به مستلزم و باغات و طوابع ندارد این است که این پیشنهاد را بده مقدم کردم (صحیح است) و گمان نمیکنم مخالفی هم داشته باشد.

مخیر - بده موافقت دارم

رئیس - ولی رای آن را با تمام ماده الحاقیه اگر بیکم بگذریم حالا نمی توانیم بیکم

دشمنی - چرا

طباطبائی دیا - اجازه میفرمایید

رئیس - بفرمایید

طباطبائی دیا - ماده الحاقیه همان حال اصلاح را دراز بدهد رای گرفته شود اگر قابل توجه شد می رود بکمیسیون.

رئیس - اشکال بنده اشکالی این بود چورت هنوز مواد اصلاحی تنظیم ندهد است الحاق مواد به آن صورت ندادند. اگر موافقت فرمایید این راه هم بکمیسیون بفرستیم (نمایندگان - صحیح است) و البته باید انتظار

وصول خبر کمیسیون را داشته باشیم. بنابراین با اتفاق وصول خبر تاوی کمیسیون نسبت باین لایحه جلسه را ختم کنیم (صحیح است)

[۴ - اقتراع برای شرفیابی بمناسبت روز مولود حضرت حجه (ع)]

رئیس - فردامصادف است با دوز تولد حضرت حجه عجل الله تعالی فرجه و باید اقتراع کنیم برای شرفیابی حضور اعلی حضرت همایونی (صحیح است)
 (اقتراع بعمل آمده و نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)
 آقایان : مواری - دکتر ملک زاده - دکتر سنگ
 دکتر عطاء الله خان سهیمی - احتشام زاده - رهنما
 معتمدی - آقا سید کلام یزدی - سعید قلی -
 سعیدی خراسانی - اسکندری - رهبری .

[۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - بگذری تا عمل بفرمائید عرض دارم اگر چه

وقت دیر است و جلسه را میخواهیم ختم کنیم و یکساعت هم از ظهر میگذرد ولی اگر شعب تشکیل نشود و کمیسیون عرض و مرخصی و کمیسیون های عامل را انتخاب نکنیم کار ما بکفایت متعوق میماند و اینها بیش از چند دقیقه کار ندارد که هیئت عامل شعب و اعضای کمیسیون مربوطه بان را انتخاب و تعیین کنیم جلسه آینده روز سه شنبه هفتم دیماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه بقایای مالیاتی

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر